

DEPRIVATION OR RESTRICTION OF LIBERTY IS KNOWN TO BE ONE OF THE OLDEST METHODS OF DEALING WITH CRIMINALS AND IS STILL ONE OF THE MAIN PUNISHMENTS IN THE JUSTICE SYSTEM OF POPULAR COUNTRIES. SINCE, ACCORDING TO INTERNATIONALLY RECOGNISED PRINCIPLES, THE WAY THE JUSTICE SYSTEM DEALS WITH DELINQUENT CHILDREN AND JUVENILES SHOULD BE DIFFERENT FROM THAT OF ADULT DELINQUENTS, AND THE FAILURE TO REFORM AND REHABILITATE THIS GROUP OF SOCIETY IS MORE IMPORTANT THAN THAT OF ADULTS, FOR THIS REASON, IN RELATION TO CHILDREN AND JUVENILES, INSTEAD OF SENTENCING AND ENFORCING PUNISHMENT, WE USE PREVENTIVE AND EDUCATIONAL MEASURES, WHICH IS STILL ONE OF THE ANSWERS TO THE CRIMINAL PHENOMENON IN THIS AGE GROUP. IN THE FORM OF DOCUMENTS AND MEETINGS, THE UNITED NATIONS HAS MADE RECOMMENDATIONS TO MEMBER COUNTRIES TO RESPECT THE RIGHTS OF CHILDREN AND JUVENILE OFFENDERS SENTENCED TO IMPRISONMENT. THE UNITED NATIONS' RECOMMENDATION IS MOSTLY BASED ON THE MINIMUM AND REHABILITATIVE NATURE OF THIS TYPE OF EDUCATIONAL MEASURE. THE 10TH CHAPTER OF THE ISLAMIC PENAL CODE ALSO INTRODUCES THE DETENTION OF A CHILD IN A CORRECTIONAL CENTRE AS ONE OF THE PROTECTIVE AND EDUCATIONAL MEASURES THAT ATTEMPT TO HARMONISE THE TEACHINGS OF INTERNATIONAL DOCUMENTS AND JURISPRUDENCE.

Key words: children and teenagers in conflict with the law, children's rights treaty, reform and education center

بررسی شیوه‌های سلب آزادی از کودکان و نوجوانان معارض با قانون در اسناد سازمان ملل متحد و قانون مجازات اسلامی ایران مهرناز کشاورزی نژاد^۱ - عسل عظیمیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

سلب یا محدود کردن آزادی افراد یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های برخورد با بزهکار شناخته می‌شود و هم‌کنون هم به‌عنوان یکی از مجازات اصلی در سیستم قضایی کشورها برطرفدار است. از آنجایی که طبق اصول شناخته‌شده بین‌المللی، نوع برخورد دستگاه قضایی با کودکان و نوجوانان بزهکار باید با بزهکاران بزرگ‌سالان متفاوت باشد و عدم اصلاح و بازپروری این قشر از جامعه اهمیت بیشتری نسبت به گروه بزرگ‌سالان دارد، به همین دلیل در خصوص اطفال و نوجوانان، بجای محکومیت و اجرای مجازات از اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده می‌نماییم که سلب کردن آزادی نیز همچنان یکی از پاسخ‌ها به پدیده مجرمانه در این گروه سنی است. سازمان ملل متحد در قالب اسناد و نشست‌ها، توصیه‌هایی به کشورهای عضو جهت رعایت حقوق اطفال و نوجوانان بزهکار محکوم به حبس کرده است. توصیه سازمان ملل بیشتر حول محور کمینه بودن و بازپرورانه بودن این نوع اقدام تربیتی است. فصل دهم قانون مجازات اسلامی نیز نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت را به‌عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی معرفی نموده که تا حدودی سعی در هماهنگی مابین آموزه‌های اسناد بین‌المللی و آرای فقهی داشته باشد.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان معارض با قانون، معاهده حقوق کودک، کانون اصلاح و تربیت

Mehrnaz.keshavarzinejad@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Avocate.ir@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرو، ایران

بروز رفتارهای بزهکارانه از سوی اطفال و نوجوانان از نشانه‌های انحطاط اخلاقی یک جامعه محسوب می‌شود و هرچه سن شروع بزهکاری در جامعه پایین‌تر باشد نشانه به صدا درآمدن زنگ خطر است از همین رو نوع برخورد و مجازات اطفال و نوجوانان باید کاملاً متفاوت از بزرگسالان باشد چراکه در گروه اول یعنی نوجوانان، توجه به اصلاح و بازپروری و جامعه‌پذیر کردنشان درجه اول اهمیت است در حالی که در گروه دوم یعنی مجرمان بزرگسال، سزادهی مهم‌ترین رکن مجازات محسوب می‌شود. موضوع اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار آن‌قدر مهم است که در اسناد شناخته‌شده سازمان ملل متحد توصیه شده حتی از به کارگیری لفظ «بزهکار» برای این گروه سنی اجتناب شود و بجای آن از عبارت «فرد معارض با قانون» استفاده گردد.

نحوه پاسخ به پدیده مجرمانه در خصوص افراد زیر هجده سال به درجه‌ای از اهمیت است که قانون مجازات اسلامی در فصل دهم به‌طور مجزا به این موضوع پرداخته است. در این فصل که تحت عنوان «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» نام‌گذاری شده، دقیقه به نگاه افتراقی حقوق کیفری بین اطفال و نوجوانان بزهکار و بزرگسالان اشاره می‌کند. در واقع در خصوص این قشر سنی پایین‌تر از ۱۸ سال باید بجای حکم به مجازات، وی را به انجام یک اقدام تأمینی و تربیتی ملزم نماییم. یکی از این اقدامات تأمینی و تربیتی نهادی تحت عنوان سلب آزادی یا نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت است؛ که با توجه به جرم ارتكابی و سن مرتکب در هنگام ارتكاب جرم می‌تواند مورد رأی قاضی قرار بگیرد.

سلب آزادی در مورد اطفال و نوجوانان سازوکار منحصر به فردی دارد به‌طور مثال این گروه سنی باید از بزرگسالان جدا نگهداری بشوند به‌طوری که محل نگهداری بزرگسالان «زندان» و محل نگهداری افراد زیر هجده سال «کانون اصلاح و تربیت» است. همان‌طور که از اسم این نهاد پیداست، در بستر نگهداری طفل و سلب آزادی از او باید به جنبه بازپروری و اصلاح وی توجه ویژه داشت و کودک و نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت دارای حقوق ویژه‌ای هستند که این موضوع در مورد زندانیان بزرگسال وجود ندارد.

سازمان ملل متحد در اسناد و قوانین خود نیز نگاه ویژه‌ای به مسئله سلب آزادی از کودکان و نوجوانان داشته است. هرچند در مورد حقوق کودک می‌توان به اعلامیه حقوق بشر و میثاقین توجه داشت اما تنها سند الزام‌آور که به‌طور خاص به حقوق کودک پرداخته، «معاهده حقوق کودک» است. امضای این معاهده به معنای تصویب آن است و آن را در کشور امضاکننده به‌مثابه قانون درمی‌آورد که ایران نیز به این معاهده پیوسته و در کشور ما لازم‌الاجرا محسوب می‌شود.

در کنار این سند الزام‌آور اسناد ارشادی نیز اهمیت به سزای در حوزه حقوق کودک دارند. هرچند این اسناد صرفاً جنبه توصیه‌ای داشته و لازم‌الاجرا نیستند اما در پیدایش یک عرف بین‌المللی تأثیر به‌سزایی خواهند داشت. مجموعه قواعد

سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری (قواعد پکن)، قواعد سازمان ملل متحد در مورد حمایت از اطفال محروم از آزادی و اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری (قواعد ریاض) از جمله این اسناد غیر تعهد آورد هستند. در خصوص اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان بزهکار کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده‌اند از جمله کتاب «حقوق کیفری اطفال» نوشته دکتر امیرحسین نیازپور که فقط حول محور قوانین ایران در حوزه حقوق کیفری پرداخته است و همچنین کتاب «حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد» نوشته مریم عباچی که این کتاب نیز فقط به جنبه بین‌المللی مسائل کیفری کودکان نظر داشته و هیچ‌کدام درصدد بررسی تطبیقی موضوع برنیامده‌اند اما تحقیق حاضر نگاهی تحلیلی انتقادی به حقوق ایران با توجه به رهیافت‌های بین‌المللی دارد.

در این تحقیق سعی شده ابتدا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا قانون‌گذار ایرانی توانسته با توجه به رهنمودهای بین‌المللی، جهت‌گیری مناسبی در خصوص رعایت حقوق اطفال و نوجوانان محروم از آزادی داشته باشد؟ و در قدم دوم آیا این رویکرد جدید در فصل دهم قانون مجازات اسلامی تأثیری در اصلاح و بازپروری این گروه سنی داشته است یا خیر؟ روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. با امعان نظر بر رویه قضایی ایران و مروی بر اسناد بین‌المللی، به تحلیل منطقی مباحث خواهیم پرداخت؛ بنابراین ابتدا معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی از نظر گذراننده خواهد شد و سپس نکات مثبت و احیاناً نواقص قانون جدید مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین در گردآوری مطالب از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. سازمان‌دهی تحقیق به این شکل است که در فصل اول ابتدا با انواع شیوه‌های سلب‌کننده آزادی افراد زیر ۱۸ سال آشنا می‌شویم و سازوکار و شیوه اداره کانون‌های اصلاح و تربیت را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در فصل دوم امکان کاهش و به حداقل رسانیدن مجازات سالب آزادی در پرتو امکانات قانون مجازات اسلامی به رشته تحریر درآمده است و با توجه به تطبیقی بودن نوشته حاضر در هر بخش ابتدا در حوزه حقوق بین‌الملل مسائل مربوطه تحلیل و بررسی شده و سپس تشابهات نهادهای مربوطه با حقوق ایران تحت نظر قرار گرفته است.

مجازات سالب آزادی

«پاسخ‌های سالب آزادی، آن دسته از ضمانت‌اجراهای حقوق کیفری‌اند که آزادی کودکان و نوجوانان بزهکار را برای دوره‌ای معین سلب می‌نماید» (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۸۶) در اسناد سازمان ملل، محرومیت از آزادی این گونه تعریف شده است: «محرومیت از آزادی، به معنای هر شکل از بازداشت یا زندان یا اقامت شخص در یک مجموعه بازداشتگاه عمومی یا خصوصی است به نحوی که بر اثر آن، شخص نتواند حسب دستور مقام قضایی، اداری یا سایر مقامات عمومی، به دلخواه خود ترک کند» (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 11b*).

این گونه ضمانت اجراها دارای طیف وسیعی هستند. بر اساس رهیافت‌ها و توصیه‌های بین‌المللی در خصوص کمینه بودن مجازات سالب آزادی، برای کاهش و به حداقل رساندن این گونه مجازات، مواردی پیش‌بینی شده که خوشبختانه قانون مجازات اسلامی به آن توجه داشته است. برخی از این شیوه‌ها به صورت کاملاً بدیع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ راه یافته‌اند و برخی دیگر به صورت سنتی در نظام حقوقی ایران بوده‌اند که در این قانون هم تکرار شده‌اند؛ بنابراین در این فصل ابتدا شیوه‌های نوین سلب‌کننده آزادی بررسی می‌شود و سپس به روش‌های کلاسیک آن پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: سلب آزادی به شیوه نوین

منظور آن دسته از روش‌هاست که آزادی طفل را در روزهای خاصی از هفته و یا مکان خاصی غیر از قانون اصلاح و تربیت، سلب می‌نماید.

گفتار اول: سلب آزادی در پایان هفته

با توجه به اثرات سوء حضور ممتد طفل معارض با قانون در قانون‌های اصلاح و تربیت، قانون‌گذاران روش‌های نوینی را توصیه می‌کنند. یکی از روش‌ها حبس در روزهای پایان هفته است که هم از یک سو کودک به دلیل حالت خطرناکی که از خود نشان می‌دهد تنبیه گردد و از سوی دیگر آثار ناصواب قانون اصلاح و تربیت دامن گیر وی نمی‌گردد. یکی از مزیت‌های این روش آن است که گرچه کودک در طی هفته به فعالیت‌های روزمره خود ادامه می‌دهد و حتی می‌تواند به مدرسه برود، اما وی را مجبور می‌کنند که حداقل چند ساعت در هفته در سکوت و تنهایی، به زشت بودن عمل خود فکر کنند (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). بعد از صدور حکم به حبس در روزهای آخر هفته، محکوم باید در روز و ساعت تعیین شده، خود را به محل مورد نظر معرفی نماید. بهتر است محکوم از لباس شخصی استفاده نماید. برنامه هر محل در مورد هر محکوم با توجه به وضعیت وی متفاوت خواهد بود. اجرای روش مذکور در مورد نوجوانان معتاد و کسانی که حالت تمرد و سرکشی دارند مناسب نیست.^۱

۱- اسناد بین‌المللی

بر اساس آموزه‌های اسناد سازمان ملل متحد، حبس باید به عنوان آخرین راه باشد؛ یعنی در مواقعی که هیچ‌گونه راه‌حلی برای بازپروری کودک و نوجوان وجود ندارد وی دارای حالت خطرناک است، بهتر از حبس استفاده شود؛ بنابراین حبس در روزهای آخر هفته هم با این آموزه‌ها هم‌خوانی دارد و همچنین تضمین‌کننده اصل تناسب جرم با مجازات در

۱. تاج زمان دانش، طفل بزه‌کار کیست؟ روش اصلاح او چیست؟، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳.

خصوص اطفال معارض با قانون است. بر اساس این اسناد مدت زمان حبس باید تا حداقل ممکن پایین باشد؛ بنابراین محرومیت از آزادی باید به کمترین میزان ممکن با لحاظ تنظیمات نهادی، سلب آزادی و التفات به تنوع مجرمین و مؤسسات باید محدود شود در واقع اولویت با مؤسسات باز است.^۱

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این روش در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده. طبق تبصره دوم ماده ۸۹، دادگاه می‌تواند به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال محکوم نماید. برای اینکه این مقرر شامل حال بزهکاران جوان شود، سن آن‌ها باید در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال شمسی باشد که فرقی میان دختر و پسر نیست و اینکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد. همچنین قانون‌گذار، درجه تعزیر را هم مشخص نموده که تنها برای جرائم تعزیری درجه یک تا پنج امکان صدور حکم به حبس در روزهای آخر هفته وجود دارد. هرچند که از رهگذر ماده ۹۱، امکان صدور حکم این‌چنینی در خصوص جرائم حد و قصاص نیز وجود دارد. نکته حائز اهمیت، اشاره قانون‌گذار به روزهای آخر هفته است چراکه هدف اصلی از این‌گونه حبس‌ها آن است که طفل زندگی عادی روزانه خود را داشته باشد و به مدرسه برود؛ بنابراین صدور حکم به حبس نباید در روزهایی باشد که به این‌گونه فعالیت‌های نوجوان لطمه وارد کند. مشابه این مقرر در بحث جایگزین‌های حبس هم ذکر شده است. طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظام نوپایی تأسیس گردیده که تحت عنوان نظام نیمه آزادی از آن نام‌برده می‌شود. به این ترتیب که محکوم به حبس، به جای گذران اوقات خود در زندان، در محیط خارج از زندان به فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌آموزی می‌پردازد.

گفتار دوم: سلب آزادی در منزل

در این روش نویافته، به جای راهی کردن طفل به کانون‌های اصلاح و تربیت، وی را در منزل خودش محبوس می‌نمایند. به این وسیله ضمن سپردن طفل به والدین و یا سرپرست قانونی او یا به خانواده مورد اعتماد، شرایطی را برای وی تعیین می‌نمایند. به‌عنوان مثال شب‌ها از منزل خارج نشود، در اوقات فراغت خود حق خروج از منزل را ندارد، در روزهای تعطیلی باید در منزل حضور داشته باشد و غیره. اجرای روش مذکور دارای مزیت‌هایی است از جمله آنکه «طفل در محیط

^۱. Beijing Rules, Article 19 and Commentary.

خانه به سر می‌برد، اجرای این روش در همه جا امکان‌پذیر است، طفل به فعالیت‌های آموزشی علمی و یا فنی خود ادامه می‌دهد، حس انتقام‌جویی در طفل تقویت نمی‌گردد» (تاج زمان دانش: ۲۵۰).

۱- اسناد بین‌المللی

همان‌طور که در گفتار قبل بیان شد در اسناد سازمان ملل متحد، اصل بر کمینه بودن اجرای مجازات حبس است؛ بنابراین هر روشی که بر این عقیده صحه بگذارد مورد قبول جامعه ملل نیز خواهد بود. حبس در منزل هم یکی از روش‌هایی است که از ورود نوجوان به کانون‌های اصلاح و تربیت جلوگیری می‌کند. علاوه بر این از طریق حبس در منزل، می‌توان به اصل عدم برجسب‌زنی که مورد تأکید اسناد سازمان از جمله مقررات پکن^۱ هم هست، رسید.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

در تبصره دوم ماده ۸۹ به حبس در منزل اشاره‌ای گذرا شده «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌نماید حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد»؛ بنابراین اقامت نوجوان در منزل می‌تواند تمام‌وقت و یا نیمه‌وقت باشد. اجرای این روش برای نوجوانان بین پانزده تا هجده سال میسر است. علاوه بر این جرم ارتكاب یافته باید از نوع تعزیری باشد.

گفتار سوم: نهاد نیمه آزادی

نهاد نیمه آزادی شیوه نوپایی است که بر طبق آن محکوم به زندان به جای سپری کردن اوقات خود در محیط زندان، به محیطی خارج از آن فرستاده می‌شود تا به فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌آموزی بپردازد.

۱- اسناد بین‌المللی

قواعد سازمان ملل متحد در خصوص حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، اشاره به مؤسسات بازدارد. طبق این قواعد «مؤسسات باز مؤسساتی هستند که تدابیر امنیتی در آن بسیار کم و یا مفقود است».^۲ نهاد نیمه آزادی در قانون مجازات اسلامی می‌تواند مصداقی از این مؤسسات باشد.

^۱. Beijing Rules, Article 8-1

^۲. U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 30.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این نهاد در ماده ۵۶ قانون موصوف تعریف شده است «نظام نیمه آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر این‌ها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌گردد».

صدور حکم نیمه آزادی منوط به شرایطی است که این شرایط در ماده ۵۷ بیان شده: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند، مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد که در فرآیند یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است». و همچنین با توجه به قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ امکان استفاده از نهاد نیمه آزادی در حبس‌های درجه یک، دو، سه و چهار نیز بعد گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

مبحث دوم: سلب آزادی به شیوه سنتی

سلب آزادی به شیوه سنتی در ایران از طریق حبس در کانون اصلاح و تربیت حاصل می‌شود. این طریقه رفتار با کودکان و نوجوان معارض با قانون قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، همیشه به‌عنوان اولین راه شناخته می‌شد. کانون اصلاح تربیت دارای ساختار ویژه‌ای است و کارکنان خاصی را می‌طلبد؛ بنابراین به هر کدام از مباحث باید به‌صورت مجزا پرداخته شود.

گفتار اول: ساختار مؤسسات سلب آزادی

با نگاهی به فصل دهم قانون مجازات اسلامی مشخص می‌شود فقط می‌توان نوجوانان بالای ۱۲ سال را به کانون اصلاح و تربیت فرستاد. طبق تبصره ۲ ماده ۸۸ در صورتی که طفل معارض با قانون رفتار مجرمانه حد و یا قصاص را مرتکب شود و دوازده تا پانزده سال قمری نیز داشته باشد، از سه ماه تا یک سال در کانون به سر خواهد برد. اینکه چرا قانون‌گذار در این مورد به‌خصوص از سال قمری استفاده کرده کمی عجیب است چراکه در همه موارد سال شمسی را انتخاب نموده بود. از سوی دیگر در ماده ۸۹ قانون نیز در مورد نوجوانانی که سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم پانزده تا هجده سال شمسی

باشد و مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج شده باشند، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را به عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی پذیرفته است.

۱- ساختار مؤسسات سلب آزادی در اسناد بین‌المللی

عمده دستوراتی که سازمان ملل متحد در خصوص ساختار و روند کار مؤسسات سلب آزادی کودکان و نوجوانان به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌دهد، تحت عنوان قواعد سازمان ملل متحد در خصوص کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به صورت مدون درآمده است. طبق این قوانین ساختار مؤسسات به این صورت است که در صدر آن رئیس موسسه باید فردی متخصص باشد که بتواند ارتباط بین دسته‌جات و نیروی انسانی موسسه را به وجود بیاورد. علاوه بر این هر موسسه باید به تعداد کافی معلم، معلم حرفه‌وفن، مشاور، مددکار اجتماعی، پزشک و روان‌پزشک در اختیار داشته باشد. کادر موسسه از طریق ریاست باید از زبده‌ترین افراد باشند که آموزش‌های لازم در خصوص رفتار با کودکان را دیده باشند^۱.

بعد دستگیری نوجوان باید کلیه اطلاعات مربوط به وی از جمله هویت شناسنامه‌ای، دلایل اعزام و شرایط خانوادگی، ثبت گردد. این اطلاعات در اولین فرصت تقدیم اداره زندان خواهد شد (*Ibid,33*). نوجوان در بدو حضور در موسسه باید از کلیه حقوق خود مطلع گردد این کار از طریق نصب برجسب‌های مرتبط به دیوار موسسه یا دادن کاغذهای محتوی حقوق مختلف انجام می‌گردد. در خصوص نوجوانانی که سواد خواندن و نوشتن ندارند، بهتر است این کار به صورت شفاهی صورت پذیرد (*Ibid,24*).

بعد از حضور نوجوان در مؤسسات سلب آزادی، باید از وی مصاحبه‌ای به عمل بیاید. این مصاحبه از طریق روانشناسان، مددکاران اجتماعی و پزشکان متخصص صورت می‌پذیرد. پرسنل مزبور باید گزارشی کامل از مصاحبه انجام گرفته ارائه دهند. این گزارش اطلاعات مفیدی را در اختیار کارگزاران موسسه در خصوص نحوه برخورد با کودک می‌گذارد. به عبارت دیگر پرسنل موسسه باید بر اساس همین گزارش، یک طرح مکتوب در مورد نوع برخورد، چارچوب زمانی، اهداف و شیوه درمان نوجوان ارائه دهند (*Ibid,27*). بعد از تعیین نوع مراقبت و شیوه درمان، نوبت به دسته‌بندی نوجوانان می‌رسد. معیار اصلی در این دسته‌بندی، نوع مراقبتی است که به مطلوب‌ترین نحو، نیاز نوجوان را پاسخ می‌دهد (*Ibid,28-29*).

^۱. U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 81.

اسناد بین‌المللی به مرحله پسا کیفری هم توجه ویژه داشته‌اند به این صورت که مؤسسات سلب آزادی باید کلیه اقدامات لازم از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن را در اختیار کودکان، در حین آزادی قرار دهد. بهتر است آژانس‌هایی به وجود بیایند که خدمات مزبور را ارائه دهند و نوجوانان را در بازگشت به جامعه مساعدت کنند (Ibid, 80)

۲- ساختار مؤسسات سلب آزادی در ایران

پیشینه قانون اصلاح و تربیت در ایران به پنج دهه قبل بازمی‌گردد. نخستین قانونی که به‌طور منسجم به چگونگی بهره‌جستن از این نهاد توجه داشت، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ بود. طبیعتاً اجرای مجازات سالب آزادی برای کودکان، نظامی یکپارچه با دستورالعمل‌های دقیق را می‌طلبد. همین نیاز باعث گردید تا آیین‌نامه اجرایی سازمان قانون اصلاح و تربیت در سال ۴۷ تهیه و تنظیم گردد. پس از کنار گذاری قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال این شبهه برای برخی به وجود آمد که شاید آیین‌نامه اجرایی هم به تبع آن منسوخ شده باشد ولی اعتبار آیین‌نامه وابسته به قانون اصلاح و تربیت است؛ بنابراین تا وقتی که قانون پابرجا باشد، آیین‌نامه هم اعتبار دارد. به‌هر حال با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و نیز آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، بزهکاران زیر ۱۸ سال برای گذران مدت محکومیت خود باید به قانون اصلاح و تربیت بروند. ولی برای ایجاد و ساختار قانون آیین‌نامه سال ۴۷ باید مدنظر قرار بگیرد (نیازپور: ۱۹۸-۱۹۹).

قانون اصلاح و تربیت بر طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان قانون و اصلاح و تربیت، دارای سه قسمت است. قسمت موقت، قسمت اصلاح و تربیت و قسمت زندان. قسمت موقت مربوط به آن دسته از کودکان و نوجوانانی می‌شود که طبق قسمت آخر ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد آنان قرار بازداشت موقت صادر شده است. قسمت اصلاح و تربیت نیز برای آن دسته از نوجوانانی است که مدت محکومیت آنان حداکثر یک سال است و نوجوانانی که به حبس‌های بیشتر از یک سال محکوم می‌شوند به قسمت زندان فرستاده خواهند شد.

هر حوزه قضایی یک مدیر و به تعداد کافی معاون در اختیار خواهد داشت. وظیفه اصلی مدیر قانون آن است که هرگونه اصلاح و تغییر در عملکرد کودکان و نوجوانان معارض با قانونی که در قانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند را به اطلاع رئیس دادگستری حوزه قضایی برساند تا امکان تخفیف و یا آزادی مشروط آن‌ها از این طریق ارزیابی گردد. علاوه بر این نظارت بر حسن انجام وظایف کارگزاران از دیگر وظایف مدیر محسوب می‌شود.

هر قانون باید به تعداد کافی آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه‌ای داشته باشد. وظیفه این کارگزاران آن است که علاوه بر آموزش یک حرفه معین به کودک و یا نوجوان، هرگونه تغییر رفتاری طفل را به رئیس قانون اطلاع دهند. علاوه

براینان، مددکاران اجتماعی هم باید بر اساس تجربه خود به شناسایی مشکلات کودک پردازند و در این رابطه بتوانند بهترین راه‌حل‌ها را برای برطرف کردن این گونه مشکلات بیابند. مطابق آیین‌نامه اجرایی مددکاران اجتماعی مصوب ۱۳۷۹، مددکار اجتماعی فردی است که به دانش مددکاری و علوم اجتماعی و مهارت در تنظیم روابط انسانی مجهز است و خدمات مددکاری انجام می‌دهد. کانون‌های اصلاح و تربیت موظف‌اند به تعداد کافی پزشک و روان‌پزشک در اختیار داشته باشند تا نسبت به معاینه کودکان و نوجوانانی که از لحاظ روحی و جسمی بیمار هستند انجام وظیفه نمایند.

مطابق مواد ۵۴ الی ۵۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، باید قسمتی تحت عنوان پذیرش و تشخیص در کانون اصلاح و تربیت وجود داشته باشد. محکومان در بدو حضور در کانون اصلاح و تربیت بهتر است در مدتی حدوداً حداقل یک هفته و حداکثر سه هفته در این بخش تحت معاینات و آزمایش‌های پزشکی و روان‌پزشکی قرار بگیرند تا از این طریق راه برای تشکیل یک پرونده شخصیت باز شود؛ بنابراین کانون اصلاح و تربیت با کمک مددکاران اجتماعی و این نوع معاینات علاوه بر تشکیل پرونده شخصیت، میزان حالت خطرناک آنان را می‌سنجند تا مبنای دسته‌بندی کودکان و نوجوانان معارض با قانون در گروه‌های مختلف باشد.

دسته‌بندی کودکان و نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت به آن خاطر انجام می‌گیرد که از تشکیل خرده‌فرهنگ‌ها در این کانون‌ها جلوگیری شود. علاوه بر این بهتر است بخش کودکان از نوجوانان جدا باشد چراکه اغلب کودکان کم سن و سال، مورد آزار و اذیت و بهره‌کشی بزرگ‌ترها قرار می‌گیرند (باصری، ۱۳۸۷: ۱۲۹). بعد از دسته‌بندی کودکان در گروه‌های مختلف بهتر است به بحث اصلاح آن‌ها پرداخته شود؛ یعنی بر اساس مصاحبه و گزارش‌های روان‌پزشکی و پزشکی، بهترین روش برای بازسازی کودک در نظر گرفته می‌شود نسبت به جامعه‌پذیری و آموختن هنجارها و ارزش‌های جامعه برای آن‌ها اقدام مناسب به عمل می‌آید.

گفتار دوم: حقوق کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

کودک و یا نوجوان بزه‌کار هم مانند هر شهروند دیگر دارای حقوقی است؛ به عبارت دیگر سلب آزادی از کودکان و نوجوانان به معنای عدم حفظ حقوق دیگر او نیست. در نتیجه کودکان در بستر نهادهای کانون اصلاح و تربیت، باید از حقوق شهروندی و حقوق بشر متمتع باشند.

۱. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰،

۱- حقوق اجتماعی

منظور از حقوق اجتماعی آن دسته از حقوقی است که تأمین کننده رفاه و زندگی شایسته انسان‌ها باشد. حقوق اجتماعی دارای گونه‌های متعددی است؛ حق بر بهداشت و درمان و غذای سالم حق برداشتن تفریح و سرگرمی از جمله این حقوق است.

۱- ۱ اسناد بین‌المللی

رعایت حقوق و آزادی‌های کودکان در مؤسسات سلب آزادی، به درجه‌ای از اهمیت است که قواعد بین‌المللی، نقض آن‌ها را موجبی برای پیگرد قانونی می‌شمارد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 7*) بنابراین محرومیت از آزادی باید در شرایط و اوضاع و احوالی باشد که حقوق بشر در خصوص نوجوانان تضمین گردد.

قواعد مربوط به حمایت از کودکان و نوجوانانی که آزادی‌های آنان سلب شده، امکانات و تسهیلات زیادی را برای این قشر از جامعه در نظر گرفته و به قدری ریز بینانه دقت نظر داشته که حتی معماری ساختمان موسسه را مدنظر قرار داده است به نحوی که فضای فیزیکی و معماری ساختمان باید در تطابق کامل با اهداف باز سازگاری کودکان و نوجوانان باشد (*Ibid, Article:32*).

یکی از حقوق اجتماعی هر انسان، دسترسی به غذای مناسب و بهداشت عمومی است از این نظر نیز قواعد مزبور تأکید دارد که باید به نوجوانان محروم از آزادی، غذایی با کیفیت داده شود که هم با فرهنگ آن کودک مطابقت داشته باشد و هم در بردارنده الزامات دینی کودک و نوجوان باشد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 36*).

به منظور آماده‌سازی بازگشت نوجوان به جامعه بهتر است حق تحصیل، مناسب نیازها و توانایی‌های طفل به او داده شود. این تحصیلات بهتر است در خارج از محیط موسسه باشد و در موقع اعطای مدرک به هیچ وجه نباید از این نکته که نوجوان تحصیلاتش را در موسسه سلب آزادی گذرانده، سخنی به میان آید. هر موسسه باید دارای کتابخانه‌ای باشد و در آن انواع کتاب‌های آموزشی در اختیار کودکان و نوجوانان محروم از آزادی قرار گیرد. یکی دیگر از حقوق نوجوان حق برخورداری او از تفریح و سرگرمی است که قاعده ۴۷ قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به آن اشاره داشته است. هر کودک باید از فضای باز بهره‌برد و امکانات و تجهیزات ورزشی باید در موسسه مستقر باشد.

در خصوص مراقبت‌های پزشکی نیز باید گفت که در قواعد پیش‌گفته این مراقبت‌ها شامل درمان‌های پزشکی، دندان‌پزشکی، روان‌پزشکی و غیره است. این نوع درمان نه تنها کودکانی که از لحاظ جسمی و یا روانی بیمار هستند را در برمی‌گیرد، بلکه در مورد نوجوانی که معتاد به مواد مخدر هستند نیز اعمال می‌شود (Ibid, Article 49 and 51).

۲-۱ قوانین ایران

یکی از مصادیق بارز حقوق اجتماعی، زندگی در یک محیط سالم و عاری از هر نوع آلودگی است؛ بنابراین کودکان هم باید از حقوق بهره‌مند شده و در یک محیط بهداشتی دروان محکومیت خود را سپری کنند. ماده ۱۱۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به این موضوع مهم پرداخته است.

داشتن غذای سالم هم زیرمجموعه‌ای از این حق محسوب می‌گردد. به همین جهت ماده ۱۵۳ آیین‌نامه پیش‌گفته اعلام می‌دارد: «برنامه غذایی زندانیان به تناسب فصل‌های سال، توسط مدیرکل هر استان و بر اساس دستورالعمل‌های تغذیه صادره از سوی دفتر بهداشت و درمان سازمان تصویب و به مؤسسه‌ها ابلاغ می‌شود. مؤسسه تحت نظارت مسئول واحد بهداشت و درمان و بر اساس برنامه تنظیمی نسبت به تأمین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه مرغوب و دارای کیفیت اقدام می‌کند. مدیران کل استان‌ها باید با توجه به شرایط و اوضاع اقلیمی هر محل نسبت به تغییر برنامه غذایی در محدوده اعتبار و برنامه مصوب اقدام کنند.» همچنین مواد اولیه این اغذیه باید مرغوبیت لازم را داشته باشند.

در خصوص درمان بیماری‌های جسمی و روانی اطفال و نوجوانانی که مدت محکومیت خود را در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند، باید گفت که مطابق ماده ۱۳۸ آیین‌نامه فوق‌الذکر، بهداری مؤسسه موظف است با ارزیابی وضعیت بالینی زندانی تازه‌وارد وضعیت او را از جهت بیماری یا سلامتی مورد ارزیابی قرار دهد. بهتر است برای راحتی دررفت و آمد محکومان، این بهداری‌ها در کنار مؤسسات و زندان‌ها باشند مگر اینکه بیماری نوجوانان به حدی حاد باشد که امکان درمانش در بهداری موصوف غیرعملی به نظر بیاید (آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب ۴۷، ماده ۱۴).

هر کودک و یا نوجوان محکوم، به محض احساس کسالت باید جریان امر را به مسئول نگهداری مربوطه اطلاع دهد و با اخذ معرفی‌نامه به بهداری کانون مراجعه نماید (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، ماده ۱۴۰).

تفریح و سرگرمی در محیط کانون، علاوه برداشتن جذابیت برای کودکان و نوجوان می‌تواند بار آموزشی هم برای آنان داشته باشد. انجام ورزش‌های صبحگاهی برای محکومانی که قادر به انجام این حرکات هستند اجباری است و همچنین هر کانون باید به دستگاه‌های ورزشی و احیاناً مربیان مربوطه مجهز باشد.

آموزش و پرورش سهم به‌سزایی در بازسازی و جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کند. ضمن اینکه اغلب کودکانی که به سمت ارتکاب جرم سوق پیدا کرده‌اند، از آموزش صحیح بی‌بهره ماندند؛ بنابراین به‌موجب ماده ۱۷۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، «به‌منظور توسعه برنامه‌های بازسازی، کاهش آسیب‌های حبس، کمک به رفع نیازهای مادی و معنوی محکومان و خانواده آن‌ها و خودکفایی و خوداشتغالی زندانیان، سازمان مکلف است با همکاری بنیاد تعاون، حتی‌المقدور امکان اشتغال تمامی زندانیان حاضر در مؤسسه‌های کیفری را که متقاضی اشتغال هستند، فراهم کند. در این راستا سازمان می‌تواند اعتبار موردنیاز را از محل بودجه مصوب، کمک‌های انجمن یا درآمدهای بنیاد تعاون، کمک‌های مردمی و مانند آن، در چارچوب مقررات قانونی، تأمین کند و در جهت حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان به اموری که با اقتصاد بازار ارتباط مستقیم دارد (اشتغال مولد و پایدار)، متناسب با قابلیت‌ها و استعدادهای فردی به کار گیرد و همچنین نسبت به فراهم کردن مشوق‌های لازم باهدف به‌کارگیری و اشتغال زندانیان آزادشده و رفع موانع تولید و اشتغال برای کارآفرینانی که نسبت به ایجاد اشتغال و خودکفایی مؤسسه‌های کیفری سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌کنند و نیز کارآفرینانی که زندانی هستند اقدام کند. این اقدام‌ها و همچنین قراردادهایی که در این راستا منعقد می‌شود، باید با رعایت ضوابط و مقررات و عاری از انحصار و در راستای صیانت از حقوق زندانیان باشد.» همچنین بر پایه آیین‌نامه موصوف، بهتر است در هر مؤسسه یک کتابخانه برای علاقه‌مندان و بالا بردن سطح معلومات محکومان وجود داشته باشد.

مطابق ماده ۲۲ آیین‌نامه کانون اصلاح و تربیت «اطفالی که در کانون به تحصیل یا کارآموزی اشتغال دارند از طرف مدیر کانون ممکن است جهت شرکت در امتحانات به مراجع مربوطه معرفی بشوند.»

۲- حقوق قضایی

منظور آن دسته از حقوقی است که باعث منصفانه شدن جریان عدالت کیفری می‌شود. حق اطلاع از حقوق، حق داشتن وکیل و حق بر مرخصی و ملاقات از جمله این حقوق است.

۲-۱ اسناد بین‌المللی

از جمله حقوق قضایی که اسناد بین‌المللی به آن تأکید داشته، حق داشتن ملاقات و ارتباط با دنیای بیرون از موسسه و حق برخورداری از معاضدت و مشاوره حقوقی است.

کودک و نوجوان باید در مواقع موردنیاز با وکیل خود در ارتباط باشد، این ارتباط به این منظور حاصل می‌شود که کودک از حقوق خود مثل حق تجدیدنظرخواهی و یا اعاده دادرسی مطلع گردد. این حق در قواعد پکن تصریح شده، طبق قاعده ۱-۱۵ قواعد مذکور نوجوان حق دارد در سراسر رسیدگی از راهنمایی‌های یک مشاور حقوقی بهره‌بردارد. این مشاوره حقوقی باید رایگان بوده و به‌طور منظم با طفل بزهکار در ارتباط باشد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile*) (*Article 17 a Deprive of their Liberty*).

از دیگر حقوق کودک، حق ارتباط وی با دنیای خارج و داشتن حق ملاقات است. به همین جهت هم باید کلیه وسایل و امکانات به‌منظور ارتباط نوجوان با دنیای خارج فراهم گردد. هر کودک و نوجوان محروم از آزادی باید این حق را داشته باشد که به‌طور منظم با خانواده و دوستان خود در خارج از زندان ارتباط و ملاقات داشته باشد (*Beijing Rules* ,) (*U.N Rules for the Protection of Juvenile*) (*Article 5-26*). به‌علاوه ایام مرخصی باید جزء دوران محکومیت وی شمرده شود (*U.N Rules for the Protection of Juvenile*) (*Article: 59 Deprive of their Liberty*).

در نهایت برای دستیابی به حداکثر مطلوبیت این‌گونه حقوق، بهتر است کودکان از وجود آن‌ها مطلع باشند. به این منظور، قاعده ۲۴ قوانین مربوط به حمایت از نوجوانانی که آزادی آن‌ها سلب شده، بیان می‌دارد که در اولین فرصت بعد از اعزام نوجوان باید یک برگ محتوی کلیه حقوق و تکالیف و همچنین نشانی آژانس‌هایی که معاضدت قضایی به نوجوانان ارائه می‌دهند، به وی داده شود تا از همان ابتدا حقی از وی ضایع نگردد.

۲-۲ قوانین ایران

کانون‌های اصلاح و تربیت ایران به‌منظور آموزش دموکراسی و ارجح بودن رأی اکثر بر اقل، اقدام به تشکیل یک شورا نمودند. سازوکار این شورا به این نحو است که ابتدا کودکان و نوجوانانی که مایل به فعالیت در شورا هستند، کاندید شده و تأیید صلاحیت می‌شوند. این کاندیداها می‌تواند برای خود فعالیت تبلیغی هم انجام دهند. بعد از انجام انتخابات و شمارش آرای مأخوذه، اعضای شورا انتخاب می‌شوند. یکی از وظایف شورا آن است که حقوق مربوط به اطفال از جمله کنوانسیون حقوق کودک را مطالعه و آن را به نوجوانانی که دوره محکومیت خود را می‌گذرانند، آموزش دهند. رسیدگی و انتقال مشکلات به کارزگران مدیریتی از وظایف دیگر این شورا است (باصری: ۱۳۱). به‌منظور تحکیم روابط خانوادگی،

باید به کودکان و نوجوانان محکوم، مرخصی داده شود. این حق در ماده ۱۹۴ آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به رسمیت شناخته شده است.

از دیگر حقوق قضایی، حق داشتن وکیل است که در ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرای سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب ۴۷ به آن اشاره شده است.

فصل دوم: چگونگی تعدیل پاسخ‌های سالب آزادی

حضور در کانون‌های اصلاح و تربیت به دلیل صبغه اخلاقی و انگ زدن بر طفل، می‌تواند اثرات سوئی داشته باشد. از همین رو در مراحل مختلف فرآیند کیفری، شیوه‌هایی در قانون پیش‌بینی شده که مدت حضور طفل در کانون کم و کمتر شود. این شیوه‌ها عبارت‌اند از کاهش مدت حبس و اعطای آزادی مشروط که به هر کدام پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: کاهش مدت حبس

در تعیین مدت اقامت کودک و نوجوان در کانون اصلاح و تربیت، شخصیت مجرم مدخلیت دارد. در خصوص این قشر از بزه‌کاران نباید به نوع جرم ارتكابی در تعیین مدت توجه شود، بلکه خود مجرم باید مورد توجه قرار بگیرد. مدت اقامت از یک سو باید کوتاه باشد و از سوی دیگر با شرایط و اوضاع احوال طفل مناسبت داشته باشد (منوچهریان، ۱۳۴۱: ۴۸). کاهش مدت حبس، سیاست تعدیل سلب آزادی است به نحوی که کارگزاران قضایی با توجه به تغییرات نوجوان در کانون‌های اصلاح و تربیت، این امکان را برای وی مهیا می‌سازند؛ بنابراین مدت حبس در کانون اصلاح و تربیت باید به صورت نامعین باشد.

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

پیشرفت‌های جرم‌شناسی حکایت از آن دارد که استفاده عملی از مؤسسات سلب آزادی کودکان، موفقیت خود را از دست داده؛ بنابراین باید به‌عنوان آخرین راه مورد استفاده قرار بگیرد. در راهی کردن کودک و نوجوان معارض با قانون به کانون‌های اصلاح و تربیت باید دو رویکرد اساسی تبیین کرد، اول آنکه از نظر روش تربیتی باید به‌عنوان آخرین راهکار باشد و در ثانی از نظر زمانی به حداقل ممکن برسد. پس اگر نوجوانی در موسسه‌ای زندانی است، محرومیت از آزادی وی باید به کمترین زمان ممکن کاهش یابد. علاوه بر این موارد، هدف اصلی در سلب آزادی از کودکان و نوجوانان بازپروری

آن‌هاست، بنابراین باید تسهیلاتی برای طفل در نظر گرفته شود که مؤسسات بیشتر جنبه اصلاحی داشته باشند تا صبغه زندان.^۱

گفتار دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این روش در قانون مجازات اسلامی در ماده ۹۰ پیش‌بینی شده است. «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل و یا نوجوان به ولی یا سرپرست او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر، در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد»

طبق ماده ۹۰ کاهش مدت سلب آزادی منوط به دو شرط است:

اولاً آنکه میزان یک‌پنجم از مجازات سپری‌شده باشد؛ ثانیاً با توجه به قسمت نخست ماده، رفتار کودک و نوجوان باید مورد تأیید مددکاران و کارگزاران تربیتی باشد. بعد از ارزیابی شرایط مذکور توسط مقام قضایی، وی این اختیار را دارد که یا مدت مجازات را تقلیل دهد و یا اینکه آن را تبدیل به اقدام تأمینی و تربیتی دیگری نماید.

مبحث دوم: آزادی مشروط

«آزادی مشروط عبارت است از آزادی مجرم پیش از اتمام مجازاتش تحت شرایطی که مقام اعطاکننده مقرر می‌کند».^۲

آزادی مشروط یک اقدام اداری است که به‌وسیله یک‌نهاد اداری اعطا می‌گردد و به‌وسیله آن فرد، بقیه مدت محکومیت خود را در اجتماع اما زیر نظر می‌گذرانند؛ بنابراین محکوم از پیامدهای عملش مبرا نمی‌شود، لکه ننگ ناشی از عمل پاک نمی‌شود و مجازات هم چنان به قوت خود پابرجاست و در صورتی که محکوم دوباره مرتکب عمل خلاف گردد، مجازات عمل سابق در مورد وی به اجرا درمی‌آید.

^۱. Beijing Rules, Article 19 and Commentary.

^۲. محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گزایش، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

اعطای آزادی مشروط کمک مؤثری در کاهش جمعیت کانون‌های اصلاح و تربیت و همچنین کاهش تکرار جرم به عمل می‌آورد. اسناد مرتبط با حقوق کیفری اطفال نیز این نکته را از نظر گذرانده و تأکید می‌کنند آزادی مشروط باید در اولین زمان ممکن به کودک و نوجوان محروم از آزادی اعطا گردد. حکم آزادی مشروط باید حتماً توسط یک مقام ذیصلاح صادر گردد (Beijing Rules, Article:1-28)

ادله‌ای که منجر به صدور حکم آزادی مشروط می‌شود عبارت‌اند از پیشرفت در زمینه بازپروری و بهبود حالت خطرناک. در خصوص کسانی که در ابتدای حضور در موسسه از خود حالت خطرناک نشان می‌دادند، ممکن است آزادی مشروط همراه با تعهداتی باشد. تعهداتی از قبیل رفتار خوب کودک و نوجوان و در جامعه و حضور در کلاس‌ها و برنامه‌های مرتبط (Ibid)

گفتار دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

هرچند که فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به‌طور صریح به اعطای آزادی مشروط به کودکان و نوجوانانی که آزادی آن‌ها سلب گردیده اشاره‌ای ننموده است، اما از قسمت اخیر ماده ۹۰ می‌تواند فهمید که این حق را برای کودکان و نوجوانان به رسمیت شناخته. طبق این ماده، تقلیل مدت حبس، مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفان قانون با تحقق شرایط آن نیست.

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی شرایطی را برای اعطای آزادی مشروط در نظر گرفته است.

اول آنکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد. در این خصوص سؤالی به ذهن متبادر می‌شود که آیا امکان اعطای آزادی مشروط در جرائم حد و یا قصاص با توجه به ماده ۹۱ وجود دارد یا خیر؟ با امعان نظر به قسمت اخیر ماده موصوف، پاسخ به این سؤال منفی است. چراکه در ماده ذکر شده، در صورتی که کودک و نوجوان، قبح عمل ارتكابی را درک نکند، با سایر اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در این فصل محکوم خواهند شد؛ بنابراین نهاد آزادی مشروط که در فصل دهم قانون ذکر شده است، از این قاعده مستثنا است (نیاز پور: ۲۳۰).

به نظر می‌رسد این پاسخ، پاسخ درستی برای سؤال بالا نیست. چراکه در ماده ۹۱ ذکر شده، امکان استفاده از سایر اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در فصل دهم برای کودکان و نوجوانانی که قبح عمل ارتكابی را درک نکنند، وجود دارد. فرستادن کودک و نوجوان به کانون اصلاح و تربیت یکی از این اقدامات است؛ بنابراین وقتی کودک یا نوجوانی دوران

محکومیت خود را در کانون‌های اصلاح و تربیت سپری می‌کند مطمئناً می‌تواند از روش‌های تعدیل این واکنش هم استفاده کند که آزادی مشروط هم یکی از این روش‌هاست.

دوم آنکه کودک یا نوجوان ظرفیت بازپرورانه داشته باشد، به این معنی که شایستگی اعطای آزادی مشروط از لحاظ اخلاقی را داشته باشد؛ از خود حسن اخلاق نشان دهد و حالاتش بیان‌گر این موضوع باشد که دیگر مرتکب جرم نمی‌شود. سوم آنکه ضرر و زیان مدعی خصوصی را تا آنجا که استطاعت دارد پرداخت کند.

نهاد آزادی مشروط بستری را برای کودک و نوجوان مهیا می‌کند تا از رهگذر آن، رفتار کودک در صورت آزادی موردسنجش قرار بگیرد؛ بنابراین بر اساس ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی در صورت نادیده گرفتن دستورات قضایی در دوره آزادی مشروط، سازوکاری اندیشیده شده که تا در پرتو آن یا مدت دوره آزادی مشروط افزایش پیدا می‌کند و یا اینکه در صورت ارتکاب یک جرم جدید، علاوه بر مجازات این جرم، باقیمانده مدت حبس نیز باید اجرا گردد.

نتیجه‌گیری

تحقیق پیرامون اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال بزهکار در ایران، معلوم ساخت که این نظام نوپا، تمامی جهد خود را مصروف مقارن سازی قانون ایران با آموزه‌های بین‌المللی نموده است. ولی در نهایت بازهم کاستی‌هایی مشاهده می‌شود. اصولاً اسناد بین‌المللی به دلیل عام‌الشمول بودن، به صورت کلی به بیان مصادیقی پرداخته است. این مصادیق و دستورالعمل‌ها، در مورد کشورهای بیشتر کاربرد دارد که از نظر نظام قضایی در خصوص کودکان، غنی نبوده و ضعف عملکرد دارند. در این اسناد آنچه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته، تأمین حداکثر رفاه برای کودکان و نوجوانان است. این حداکثر رفاه باید به قوانین کیفری نیز تعمیم یابد.

معاهده حقوق کودک به عنوان یک قانون در کشور ما لازم‌الاجراست از همین روست که در بسیاری موارد اجرای حکم اعدام یا قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال به تعویق می‌افتد و بعد از پایان سن ۱۸ سالگی این نوع مجازات اجرا می‌شود. سلب آزادی از اطفال و نوجوانان معارض با قانون هم باید بر اساس همین آموزه‌ها صورت پذیرد.

قانون مجازات اسلامی توانسته با سیاست افتراقی مدنظر سازمان ملل متحد در خصوص اطفال و بزرگسالان را تا حدی اجرا نماید ولی متأسفانه در اجرای این قانون کاستی‌هایی مشاهده می‌شود به عنوان مثال در تمامی شهرها کانون اصلاح و تربیت وجود ندارد و علی‌رغم توصیه‌های موکل سازمان ملل متحد امکان جداسازی مجرمان بالای ۱۸ سال با کودکان نیست و ظرفیت این سازمان‌ها بسیار محدود است و تا هنوز راه بسیاری تا همانندسازی نظام کیفری ایران در حوزه حقوق کودک با رهیافت‌های بین‌المللی وجود دارد.

- امیرحسین نیاز پور، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، ۱۳۹۳
- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- باصری، علی اکبر، سیاست جنایی قضایی کودکان، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
- جاوید صلاحی، کیفرشناسی، نشر میزان ۱۳۹۲
- دانش، تاج زمان، طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟ انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- صلاحی، جاوید، کیفر شناسی، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- علی اکبر باصری، سیاست جنایی قضایی کودکان، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷
- منوچهریان، مهرانگیز، مسئله بزهکاری اطفال، انتشارات بهمن، ۱۳۴۱.
- مهرانگیز منوچهریان، مسئله بزهکاری اطفال، انتشارات بهمن،

Convention On the Rights of the Child, 1989 and its translation.

U.N. Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, 1990.

U.N. Standard Minimums Rules for Non-custodial Measure, 1990 and its translation.

U.N. Standard Minimums Rules for the Administration of Juvenil Justic.